



هزاران اصطلاح علمی غامض گرفتار نمی‌سازد ولی مقصود خود را بروشنی شرح  
میدهد.

اما این خصیصه بهمان اندازه که مستحسن شمرده می‌شود، دشوار است و کار  
هرکسی نیست.

گرچه این کتاب جلد اول از مجموعه مجلداتی است - که مؤلف بچاپ آن  
پرداخته - از نظر محتوا بسیار گرانبهاست و نگاهی کوتاه به فهرست مطالب آن  
بهترین روشنگر این حقیقت خواهد بود.

مندرجات این مجلد به سه بخش تقسیم گردیده است. در بخش نخست «سیر  
تکاملی حقوق جزا» مورد بحث قرار گرفته که از لحاظ ترتیب منطقی کلام نیز  
مورد قبول و بجاست و نخستین کلام را تعاریف مختلفی تشکیل می‌دهد که استادان  
فن درباره «حقوق جزا» بیان کرده‌اند. آنگاه در خصوص تکوین و سیر تکاملی  
حقوق جزا از نخستین ایام که «بشر در برابر حملات دیگران و آنچه ناروا تشخیص  
می‌داد بعکس‌العمل و دفاع می‌پرداخته و نسبت به هرکس که به او ظلم می‌کرده، حس  
غریزی انتقام او را برمی‌انگیخته که به‌مقابله پردازد»<sup>۱</sup> تا امروز که قوانین  
مترقی در اغلب کشورها حافظ شخصیت مادی و معنوی انسانهاست - روشکافی  
شده است.

فصل دوم به «مراحل حقوق جزا» اختصاص دارد که به مرحله بدوی و عرفی  
(یا مرحله انتقامی)، مرحله ارباب، مرحله رعایت اصول انسانیت و مرحله علمی  
تقسیم شده و هر یک از آنها با روشن بینی خاصی از جهات گوناگون به بحث کشیده  
شده و تغییرات اساسی هر کدام متناسب با پیشرفت فکری بشر خاطر نشان شده است.  
مؤلف، باریک بینی و دقت علمی را بدانجا رسانیده که به دورترین اعصار  
تاریخ مانند دوران هومر از راه شواهد و اسناد مکتوب راه یافته و شرایط دآوری،  
نوع مجازات و بطور کلی سیستم قضاوت را در هر زمان تا حد لزوم نمایانده است؛  
نویسنده از دورانی که بگفته هومر، مردم «نه مجلس و اجتماع دارند و نه قاضی  
و نه قانون. آنان در مرکز کوهستانهای مرتفع در غار زندگی می‌کنند و هرکس  
بدون توجه به رفتار دیگران بمیل خود برای زنان و فرزندانش وضع قانون می‌کند»<sup>۲</sup>  
تا روزگار ما در هر مورد گفتنی‌ها را با استادی تمام بیان کرده و بویژه در بخش  
«دوران علمی حقوق جزا» مطالب بسیار جالب و خواندنی در باب «مکتب‌های تحقیقی  
واثباتی»، «تشریح چگونگی ارتکاب جرم از نظر مکتب تحقیقی واثباتی» و «سیستم-  
های دفاع اجتماعی» ارائه داده است؛ سپس رشته سخن را به «وضع رسیدگی جزائی  
در ایران قبل از مشروطیت» کشانیده و به مجازات‌های شرعی اسلام از قبیل:  
قصاص، دیه، حد، تعزیرات و مجازات‌های عرفی پرداخته که در حد خود درخور  
توجه است زیرا مؤلف با نظر انتقادی بدانها نگریسته و در هر جا که لازم بوده از  
ذکر عیوبی - که در روشهای معمول زمان وجود داشته - خودداری نکرده است.

۱- حقوق جزای عمومی ص ۲.

۲- حقوق جزای عمومی ص ۱۱.

مثلاً درباره «خصوصیات رسیدگی‌های عرفی» می‌گوید: «در کلیه جرائمی که رسیدگی به آنها به وسیله علمای وقت یا مقامات عرفی انجام می‌شد، صلاحیت نسبی و ذاتی و درجات مختلف رسیدگی، معمول نبود. يك نفر بجای مستنطق و محکمه بدوی، و رسیدگی‌های مراحل بعدی را - که اکنون معمول است - شخصاً رسیدگی می‌کرد و حکم می‌داد و گاه اتفاق می‌افتاد که خود وی نیز حکم را اجرا می‌کرد. نوع خاص ادله، در رسیدگی عرفی لزومی نداشت و بمحض اینکه متهم اقرار می‌کرد یا ادله‌ای - هرچه بود - شخصی را که به رسیدگی پرداخته بود قانع می‌ساخت، کافی بود که حکم اجرای مجازات را بدهد. در اسلام اقرار و شهادت شهود، با شرایطی که برای شاهد وجود داشته است، قاطع بوده است.

پس از آن تأثیر انقلاب کبیر فرانسه و تحولات حقوقی اروپا در ایران مورد نظر نویسنده کتاب قرار گرفته و نیز کیفیت محاکم جزا یا بتعبیر آنروز «عدالت‌خانه» و «کاپیتولاسیون» در دوران قاجاریه و نارسایی‌های هر یک نمایان گردیده است. یکی از فصول بسیار جالب این بخش شرح «مختصات و عیوب قانون جزای ایران» است که از منابع جزایی ایران نیز مطالبی در آن دیده می‌شود؛ سپس مؤلف به «تقسیمات حقوق جزا» و «ارتباط حقوق جزا» با رشته‌های دیگر حقوق و علوم دیگر» و «حق تنبیه» توجه کرده است.

بخش دوم کتاب به تعریف «جرم»، عناصر تشکیل دهنده جرم و سایر موضوعات پیوسته بدان اختصاص دارد که مؤلف به شرح و انتقاد آنها پرداخته است. درباره «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» می‌گوید: «اصل قانونی بودن جرم و مجازات برای دفاع جامعه، خطرناک است؛ زیرا ممکن است اعمالی در واقع و فی حد ذاته بامصالح و منافع اجتماعی تضاد و مبادینت داشته باشند و در محدوده پیش‌بینی شده مقنن قرار نگیرند، یا مجرم با مهارت خاصی شرایط ارتکاب جرم را طوری تغییر بدهد که عمل ارتكابی با شرایطی که قانون تعیین کرده است، مطابقت نکند. در این حالات با قبول اصل قانونی بودن جرم و مجازات، دست جامعه برای مجازات مجرم بسته است و در نتیجه، این قبیل اعمال بی مجازات میمانند و این چنین مجرمی مجازات نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

ویژگی‌های ذاتی و اجتماعی و سیر قوانین و جزایی و نوع ارتباط آنها با سیاست و مملکتداری، دنباله بحث را تشکیل می‌دهد.

در آخرین بخش کتاب تقسیمات جرائم و انتقاداتی - که در مورد هر یک شده است - با ادله کافی و مشروح مطرح شده است. آنچه در این بخش شایان دقت می‌باشد، انتقادهایی است که درباره برخی از مواد قانون جزای ایران بعمل آمده است.

نیک پیدا است که تألیف و نوشتن کتابی چنین فشرده در موضوعی بسیار مهم دشوار است اما مؤلف توانسته است از عهده مطلب برآید و به تألیفی پردازد که از

هرجهت قابل استفاده می‌باشد.  
توفیق بیشتر مؤلف را در انجام این‌گونه خدمات فرهنگی و قضایی آرزومندیم  
و امیدواریم بقیه مجلدات آن هم چاپ شود و در دسترس همگان قرار گیرد.

